

# قالی دهنستان

بیژن کلکی

از انتشارات اداره فرهنگ عامه

این گفتار بررسی کوتاهی است درباره قالی بافی در چند کارگاه تهران. و آقایان: محمد رجحان طلب پشم فروش سهراب حدادها، استاد حسین صباح، حسین ریعی فرد، مشهدی محمد و برادران سیاح و ظاهره خانم بخارائی اهل کاشان دایر کنندگان کارگاههای جوادیه و عبدالله شیخ حسینی دارنده کارگاه، در گذر لوطی صالح، در تهیه این مقاله با نگارنده همکاری کرده اند.

دوگ را می چرخانند تا پشم تابیده به دور میله «دوگ» پیچیده شود. پشم ریسیده شده را از دوگ باز و گلوله می کنند. گلوله پشم ریسیده شده را «دست ریس» می نامند (شکل ۳).

در تهران و شهرهایی که کارخانه ریسنده گی هست مانند: کاشان، تبریز، مشهد و... پشم را در کارخانه های پشم ریزی می ریسند و به شکل بسته های چندین کلافی به وزن، چهار تا چهار کیلوونیم در می آورند. این بسته های «یک لا تاب» و «دولا تاب»<sup>۱</sup> را بافندگان «بقچه» می نامند (شکل ۴).

«یک لا تاب» برای بافتن قالیهای تبریز و «دولا تاب» برای بافتن قالیهای تهران و کاشان بکار برده می شود. ارزش هر «بقچه» به نوع پشم آن بستگی دارد و هر «بقچه» از ۱۲۰ تا ۱۴۰ ریال به فروش می رسد. مرغوبترین پشم ها پشم نائین و یزد و سبزوار و مشهد است.

## رنگ آمیزی

رنگرزاها پشم را در ایران، بیشتر به شیوه کهن رنگ می زنند. کارگاههای رنگرزی در تهران مکانهای سرپوشیده نیمه تاریکی است که دیوارها و سقفهای آنها از دود آتش زیر پاتیلها سیاه و شرابهائی از دوده از سقف آنها آویزان شده است. افزار کار رنگرزاها عبارتست از:

پاتیل - پاتیل ظرفی است از مس و به شکل نیم کره. برای کار گذاشتن پاتیل؛ کف کارگاه را به اندازه نیم متر گود می کنند.

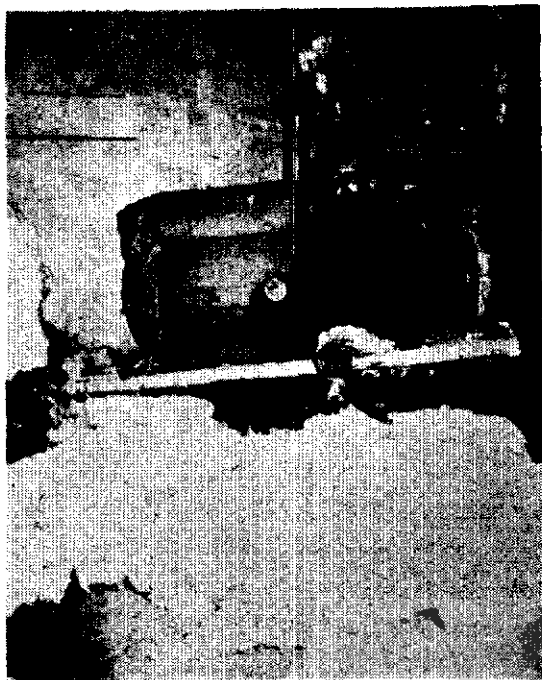
۱ - کلافهایی که نخ آن یک لا و دولا، تاب خورده است.

در نخستین روزهای بهار هنگامی که گوسفندان، آغل های زمستانی خود را ترک می کنند، شبانان پشم چینی آغاز می کنند، پشم گوسفندان را با «دو کارد» که مانند قیچی است می چینند. برای چیدن پشم، گوسفندان را روی زمین می خوابانند و گاهی برای آسان چیدن، دست و پای آنها را نیز می بندند، پشم های چیده شده را «ناشور» (ناشته) می نامند که به رنگهای سفید، شگری، «مشکی الوان» (پشم های مشکی سیر و روشن باهم) است (شکل ۱).

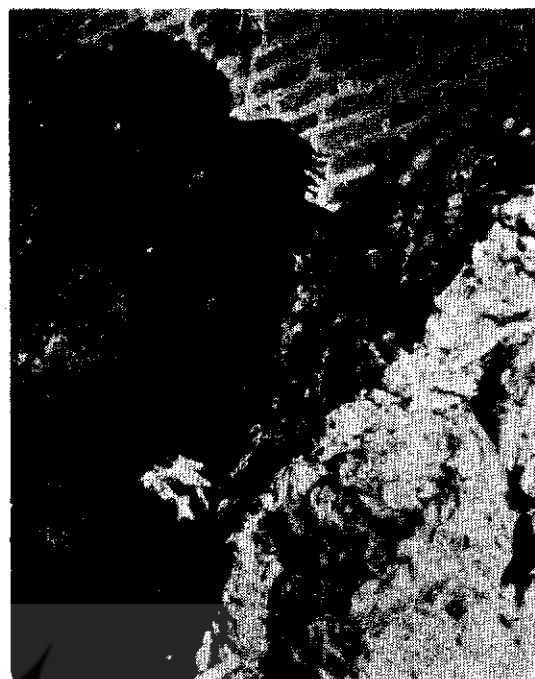
## پشم ریزی

پشم را در دهکده های پیرامون تهران حلاجی می کنند. پیش از حلاجی پشم را می شویند، تا خس و خاشاک آن جدا شود و پشم روشنی و نرمی و کشش خاصی بیابد. افزار کار حلاجان یک کمان چوبی و «مشته» است. «مشته» از چوبهای محکمی که سخت و توپر است ساخته میشود. به هنگام کار، حلاج «مشته» را در یک دست و کمان را در دست دیگر میگیرد و با ضربه های که با «مشته» روی «زه» کمان می زند، پشم را حلاجی و برای «دست ریزی» آماده می کند (شکل ۲).

پشم حلاجی شده را زن ها با «دوگ» می ریسند. «دوگ» میله چوبی باریکی دارد که در میان یک صفحه گرد چوبی، یا در چوب چلیپاشکل فرو رفته است. در سرمیله «دوگ» شپاری است که رشته پشم را پیش از رسیدن در آن بند می کنند. زنان پشم را به دور میج یک دست می پیچند و با انگشتان دست دیگر آن را می کشند تا باز شود و آن را به دور انگشتشان می پیچند



شکل ۲ - حلاج



شکل ۱ - نمونه‌ای از پشم‌های سفید، شگری، مشکی الوان

خم، دور آن پهن می‌ریزند و آن را آتش می‌زنند. ولی در تابستان کوره خم را خاموش نگاه می‌دارند. خم برای نیلی کردن کلاف است و برای این کار چند دقیقه کلاف را در آب نیل خم می‌خوابانند و پس از آن بیرون می‌آورند و فشار می‌دهند و آب آن را می‌گیرند (شکل ۷).

**رنگ آمیزی کلاف‌ها :**

رنگ‌رزاها برای رنگ کردن کلاف‌ها از رنگ‌های طبیعی و شیمیایی استفاده می‌کنند.

**رنگ‌های طبیعی :**

**رنگ مشکی -** کلاف را نخست با پوست انار نزدیک ده ساعت در آب می‌جوشانند و سپس آن را در آب گرمی که زاج در آن حل شده است، یک تا دو ساعت می‌خوابانند تا مشکی شود. گاهی برای پایا شدن رنگ مشکی، روی کلاف، پس از جوشیدن با پوست انار، «سوله آهن» (براده آهن) می‌باشند و آن‌گاه آن را با زاج می‌جوشانند.

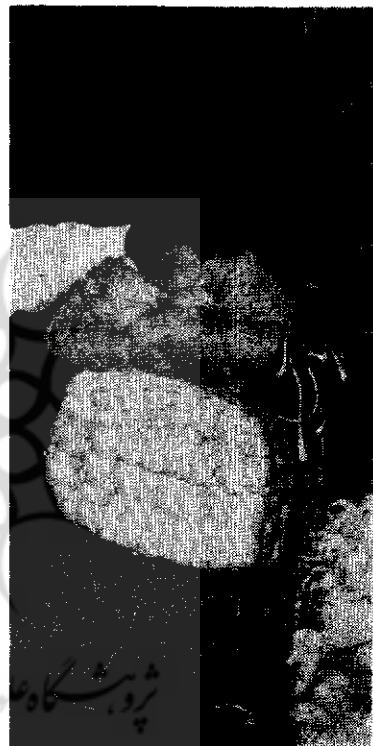
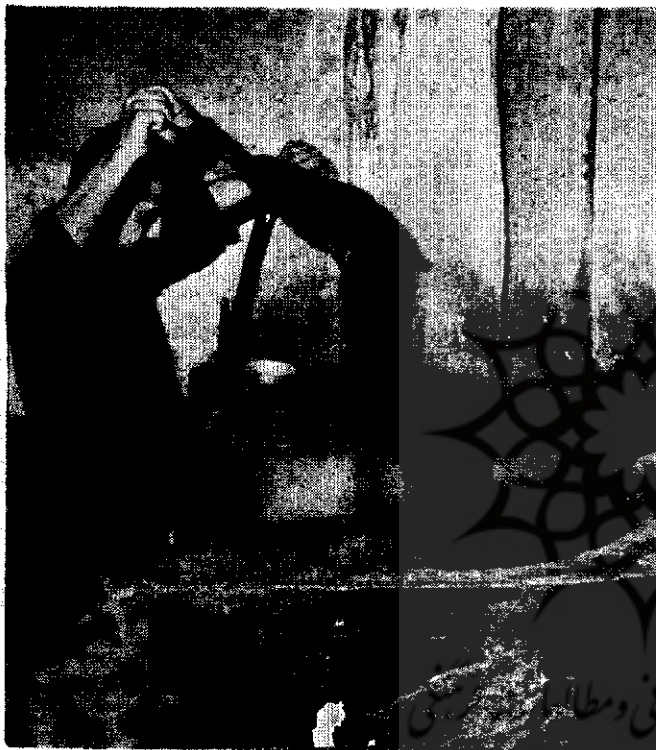
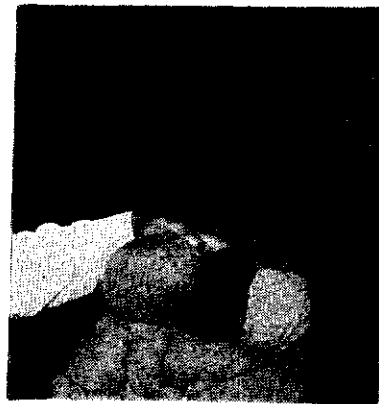
**رنگ قرمز -** برای قرمز کردن کلاف یک شب آن را در زاج و «قره قورت» می‌خوابانند، سپس آن را با آب می‌شویند و با رناسی که در آب گرم حل شده است می‌آمیزند. برای رنگ کردن یک من پشم، نیم کیلو زاج و قره قورت و نیم من رناس بکار برده می‌شود.

**رنگ زرد و سبز -** نخست زاج سفید را با «اسپرک»

این گودال آتشدان پاتیل است. دور گودال از چهار سو دیواره‌ای تقریباً به بلندی یک متر از روی زمین می‌سازند. پاتیل را در میان این چهار دیوار می‌گذارند بطوری که لبه‌اش هم سطح رویه دیوار شود. برای روشن کردن گودال زیر پاتیل، یکی از دیوارها را سوراخ می‌کنند و دود کشی هم از حلی یا لوله‌های سفالی در آن می‌گذارند که سر آن از سقف کارگاه بگذرد و دود زیر پاتیل را به بیرون از کارگاه بفرستد (شکل ۵). پاتیل‌های بزرگ را با موتورهای نفتی و پاتیل‌های کوچک را با هیزم گرم می‌کنند.

برای رنگ کردن پشم، کلاف را در پاتیل با رنگ می‌جوشانند و برای یکنواختی رنگ تارهای آن، کلاف‌ها را پایی و با چوبی به درازای یک متر که آن را «دستک» می‌نامند، از پاتیل بیرون می‌کشند و در آن فرو می‌کنند. هنگامی که آب پاتیل نمی‌جوشد، این کار را با «پیچک» که چوبی کوتاه‌تر از «دستک» است انجام می‌دهند. آب پاتیل را با «آبگردان» که ظرف مسی دسته‌داری است برهم می‌زنند و کم و زیاد می‌کنند (شکل ۶).

**خم :** خم ظرفی سفالی است که شبیه گلدانهای بزرگ، ته آن باریک و دهانه‌اش فراخ می‌باشد. ته خم را تقریباً تا یک متر در زمین چال می‌کنند و پیرامون آن را مانند پاتیل با چهار دیوار محصور می‌سازند. در زمستان برای گرم کردن



بالا راست شکل ۳ - نمونه‌ای از گلوله‌های دست ریس  
پائین راست شکل ۴ - نمونه‌ای از بسته‌بندیها که بقچه نامیده میشود  
بالا چپ شکل ۵ - پاتیل  
پائین چپ شکل ۶ - کارگری هنگام بیرون آوردن کلاف از پاتیل با دستک

می‌آمیزند و آنرا در آب می‌جوشانند، سپس کلاف را در آن می‌خوابانند. پس از مدتی کلاف زرد زیرین می‌شود. در صورتی که بخواهند این کلاف را به رنگ سبز درآورند آنرا در نیل می‌خوابانند. روشن و سیر شدن رنگ سبز به کمی وزیادی نیل بستگی دارد. برای رنگ کردن یک من پشم یک چارک «اسپرک» و نیم کیلو زاج سفید به کار برد، می‌شود.

اگر نیل آبگونه را بیشتر کنند، کلاف رنگ سرمه‌ای بخود می‌گیرد.  
رنگ قهوه‌ای - کلاف را با پوست انار می‌جوشانند. آنگاه آنرا با رناس می‌آمیزند و می‌جوشانند تا قهوه‌ای شود. گاهی پوست گردو بجای پوست انار به کار می‌برند و برای روشن و سیر شدن آن از زاج استفاده می‌کنند.

رنگ حنائی - کلاف را با پوست انار می‌جوشانند و برای حنائی شدن آن کمی آهک به آن می‌افزایند. برای رنگ کردن

رنگ آبی و سرمه‌ای - نیل را با «هیپوسولفیت» در آب می‌آمیزند و کلاف را در این آبگونه فرو می‌کنند تا آبی شود.

يك من پشم نيم من پوست اناری که يك سال مانده باشد لازم است .  
**رنگ بنفش** - برای بنفش کردن کلاف يك شب آن را با  
 زاج می جوشانند و آنگاه آن را با آب می شویند و با «قرمز دانه»  
 و جوهر لیمو می جوشانند . برای رنگ کردن يك من پشم ، پنج  
 سیر قرمز دانه و دو سیر و نیم جوهر لیمو بکار برده می شود . پس از  
 رنگ کردن کلاف ها آنها را با آب می شویند و در آفتاب آویزان  
 می کنند تا خشک شود .

رنگرزا گاهی برای تهیه رنگهای مختلف چندین رنگ را  
 با هم می آمیزند تا رنگ دلخواه خود را بدست آورند .  
**دستگاه قالی بافی :**

**داربست** - داربست یا دار قالی چهار تیر دارد : دو تیر  
 عمود بر زمین و دو تیر موازی با زمین . از دو تیر عمودی یکی را  
 «راسترو» و دیگری را «چپرو» می نامند ، و از دو تیر موازی  
 تیری که بر سر تیرهای راسترو و چپرو افتاده « سردار »  
 و تیری که در پای آنها وصله شده «زیردار» می نامند .

تیر کی هم به قطر پنج تا شش سانتیمتر در میان تارهای  
 داربست قرار دارد که «نیر» یا «نیرگی» نامیده می شود .  
 «نیر» آزاد است و بالا و پائین می رود و کار آن نگهداری  
 فاصله های میان تارهای داربست است . بالای «نیر» میان  
 تارهای چله ، دو چوب به موازات آن قرار دارد که درازای  
 هر کدام ، يك تا يك متر و نیم است و آن را «هاف» می نامند .  
 کار هاف جدا کردن تارها از یکدیگر در هنگام بافت است

(شکل ۸).

دو نردبان چند پله ای در کنار دو تیر راسترو و چپرو  
 در برابر هم گذاشته شده است . بافندگان برای بافتن قالی تخته  
 پهن و همواری را روی پله های این دو نردبان می گذارند  
 و بر روی آن می نشینند .

**چله دو اندن :**

تار را به دار قالی استادکار مخصوصی می کشد . هر رشته  
 تار را از هشت تا ده لا نخ پنبه ای بهم تاییده شده است . برای  
 کشیدن تار ، استادکار نخست رشته تار کلفتی ، از پانزده تا  
 بیست لا نخ تاییده بهم را ، بر روی «زیردار» می پیچد . این نخ  
 پیچ «زیر پیچ» نامیده می شود . سپس یکسر تارهای دار قالی  
 را به «زیر پیچ» و سر دیگر آنها را پس از آن که به «نیر»  
 از پس و پیش پیچیده شده بسر دار وصل می کنند . این تارهای  
 کشیده شده بر دار قالی را «چله» می نامند . کار «چله»  
 دو نردبان گاهی يك تا دو روز طول می کشد .

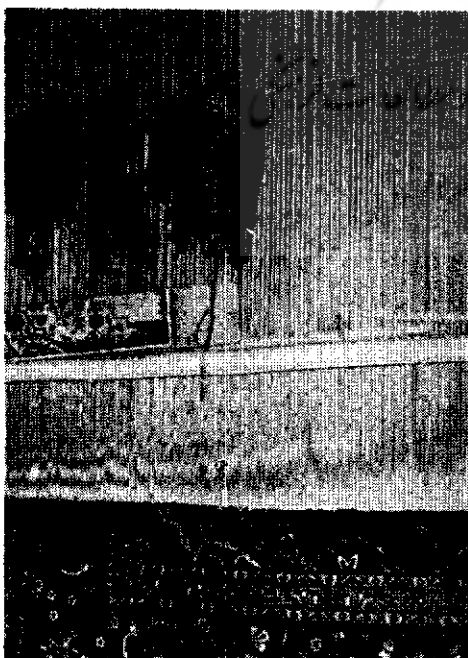
**شیوه بافتن قالی :**

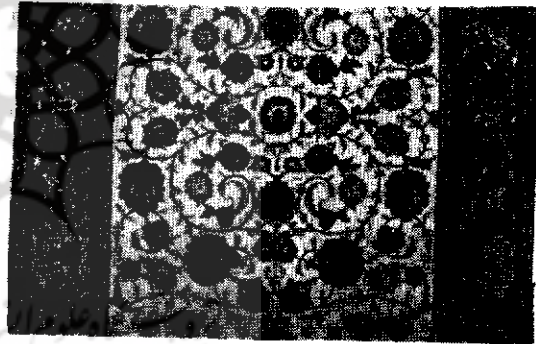
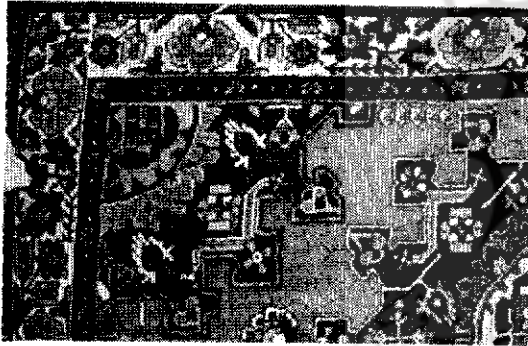
هنگامی که چله آماده شد برای منظم شدن تارها و ثابت شدن  
 فاصله های میان آنها چند رج «سوف» در پائین چله از میان  
 تارها می کشند . «سوف» رشته نخی است که از میان چله  
 يك در میان از زیر و رو می گذرد . پس از کشیدن سوف مليله کشی  
 آغاز می شود . مليله دو رشته نخ رنگی است که آنها را از میان

شکل ۷ - کارگری هنگام نیلی کردن کلاف پای خم دیده میشود



شکل ۸ - در نیمه عکس نیر و بالاتر از آن هاف دیده میشود

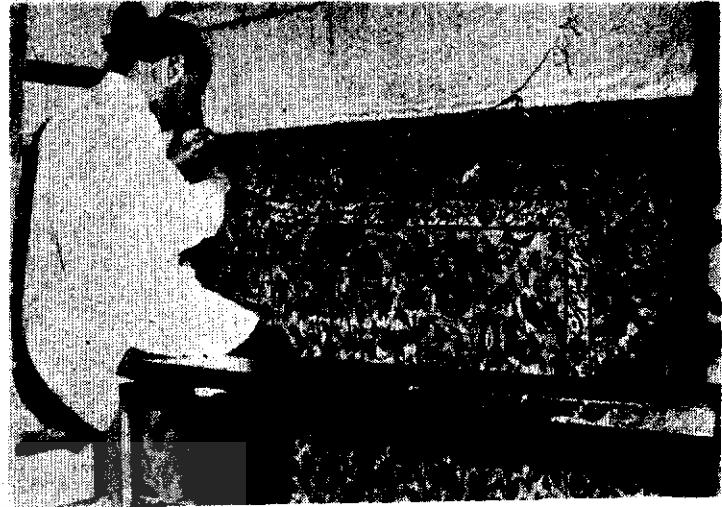




بالا راست شکل ۹ - قالی نقش لچک ترنج با زمینه لاکي برس دار، کارگران هنگام شانه آهني به ريشه وجود دادن آن مشغولند  
 بالا چپ شکل ۱۰ - بخشي از نقشه قالی بروی نيره  
 بائين راست شکل ۱۱ - نقش يك قالیچه زمینه کرم شاهعباسي  
 بائين چپ شکل ۱۲ - لچک ترنج دست رسي

نخی است پشمی که کلافهای رنگین آن در بالای سر بافندگان  
 آویزان است. خامه را بدینگونه يك ریح به تمام تارها می بندند.  
 روی خامه «پود زیر» داده می شود. پود نخی است پشمی  
 که آن را از لابلای تارهای چله می گذرانند و روی خامه (ریشه)  
 می خوابانند. در این هنگام قالی بافان برای تخت و هموار شدن  
 پشت قالی «سرکش» می کنند، بدینگونه که خامهها (ریشهها)  
 را به سوی خود می کشند آنگاه روی پود را باشانههای آهني  
 می کوبند (شانه قالی بافی تیغه هائی آهني دارد که در يك تخته

تارهای چله که شش تار شش تار جدا کرده اند، می گذرانند.  
 پس از کشیدن ملیله بافت آغاز می شود. برای بافتن قالی نخست  
 یکی از رشته تارهای چله را از رشته های دیگر جدا می کنند  
 و خامه (ریشه) بر آن می بندند و دنباله آن را که به کلاف خامه  
 وصل است با کارد (کاردی که تبریزها در بافت قالیها بکار  
 می برند با کاردهای معمولی فرق دارد. این کارد از آهن  
 يك پارچه ساخته می شود که نوک تیغه آن باریک و خمیده و قلابی  
 شکل است و از این رو آن را «قلاب» می نامند) می برند. خامه



شکل ۱۳ - نقش کتیبه‌ای



شکل ۱۴ - کودکان هنگام بافتن قالی

داشته و عبارت است از نقشه‌های : شاه‌عباسی ، درختی ، دورنما ، تصویری ، ترمه‌ای ، کتیبه‌ای ، لچک ترنج (شکل‌های ۱۱ - ۱۲ - ۱۳) .

بافتگان قالی :

اینک بافندگان که در تهران بر سر دارهای قالی کار می‌کنند ، بیشتر از شهرها و شهرستانها به تهران آمده‌اند و اغلب آنها زن و کودکانند که در برابر هر دستگاه چندتن با هم می‌نشینند و به راهنمایی استادکار ، بی‌آنکه از نقشهای قالی آگاهی داشته باشند ، قالی را می‌بافند (شکل ۱۴) . قالی‌بافهای تهرانی غالباً در اثر تحولات اجتماعی که در این قرن بویژه در سالهای اخیر در تهران رخ داده دست از پیشه خود کشیده‌اند و کارگاههای خود را برچیده یا آنها را به قالی‌بافهای شهرستانی اجاره داده‌اند و خود به کارهای دیگری مانند دست‌فروشی و کار در کارخانه‌ها پرداخته‌اند ، از این رو است که اکنون قالی‌تهرانی در این شهر بسیار کم بافته می‌شود و بیشتر آنچه که بنام قالی تهرانی خرید و فروش می‌شود از بیست سی سال پیش است . قالی‌های کهنه بافت تهرانی از رنگ و بافت و نقشه ، با قالی‌های کاشان و خراسان و آذربایجان در بازار برابر می‌کند و شناسائی هر یک از این قالیها تجربی است و از چگونگی نقشه و بافت و رنگ و گره آنها شناخته می‌شود .

چهار گوش فرورفته و با گل میخهایی کوچک محکم شده است . این شانه دسته‌ای دارد که به تخته کوبیده شده است تا خامه‌ها سفت شود و برای یکسان شدن روی قالی سر خامه‌ها را قیچی می‌کنند این کار را بدینگونه دنبال می‌کنند تا قالی بافته شود . نخستین حاشیه سر قالی را « تیره » می‌نامند . قالی‌های لچک ترنجی (قالی‌هایی که نقش‌های لچک ترنجی دارند) بجز « تیره » کناره‌ای پهن و حاشیه‌ای باریک نیز دارند و در گوشه‌های زمینه این گونه قالی‌ها چهار لچک و در میان زمینه آنها گلی افتاده است که آن را ترنج می‌نامند (شکل ۹) .

پس از پایان بافت قالی ، چله‌ها از یک‌وجوب بالاتر از سر و ته قالی برای گذاشتن ریشه می‌چینند و قالی را از دار پائین می‌آورند .  
نقشه قالی :

نقشه‌های قالی را نقشه‌کش روی کاغذهای شطرنجی مخصوصی می‌کشد . بافندگان نقشه ، هر قالی را به چند قسمت می‌کنند و هر قسمت را یکی از ایشان روی تخته‌ای می‌چسباند و در برابر خود بالاتر از نیره می‌گذارد و از روی آن قالی را می‌بافد (شکل ۱۰) .

نقشه‌هایی که اکنون در کارگاههای قالی‌بافی در تهران بافته می‌شود بیشتر از نقشه‌هایی است که در دوران صفوی رواج